

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: نهج البلاغه جلسه چهاردهم تاریخ: ۸۷/۸/۱

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على خاتم الانبياء والمرسلين سيدنا و نبينا أبا القاسم محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين سَيِّمًا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَاللَّعْنِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

برادر محترم ما آقای پور سیدی و همراهانش زحمت فراوانی کشیده اند در چند سال برای احیای مباحث مهم مربوط به امام عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) از طرفی هم قدری دیر به بنده فرمودند، ما قول داده بودیم به آقایان که چهارشنبه بحث نهج البلاغه داشته باشیم، قبل از انقلاب ما در اینجا نهج البلاغه می گفتیم و این مسجد اعظم و ایوان یر می شد و آن وقت عطش فراوانی بود برای نهج البلاغه که آن وقت ساواک جلویش را گرفت خوب بنده خواستم بخاطر اینکه به ایشان و رفقای ایشان ارادت داریم به رأی العین ببینند که ما قبلاً قول دادیم اگر آقایان اکثریت اجازه دادند و موافقت کردند که خوب، ولی نظر اکثریت این نبود و ما از این جهت به همان قول خودمان عمل می کنیم اما چند مطلب است یکی این که در نهج البلاغه بحث مهدویت که بعضی رفقا می گویند جمع بین حقیقین شود، آنقدرها نیست که یک درس را چند ماه اشتغال کند بلکه مطالبی هست مسلّم و خیلی محکم و قاطع ولی آنقدرها در نهج البلاغه بحث مهدویت به عنوان مهدویت آنقدر زیاد نیست، نهج البلاغه را دو جور می توان بحث کرد یکی اینکه از اول شروع کند و جلو بیاورد، یکی اینکه موضوع معین باشد، موضوعات مختلفی در نهج البلاغه مطرح است، اگر مساله امامت باشد بله می شود مساله امامت در نهج البلاغه بسیار بسیار مهم و فراوان است اگر به این عنوان در جمع بین حقیقین قبول کردند که خوب ولی اگر نشد ما معذرت می خواهیم که بحث نهج البلاغه را داشته باشیم تا بعداً در جای خود آن موضوع عملی شود بالاخره ما باید راجع به مطلب، موضوع معین کنیم در یک موضوع بحث کنیم چند موضوع را بنده عرض می کنم اگر لازم شد شما هم بفرمائید تا متوجه شویم اکثریت چه موضوعی را می خواهند، یکی همان بحث امامت است و یکی از ارکان مهم نهج البلاغه است ولی این منتهی خواهد شد به جاهایی که با وحدت میان شیعه و سنی سازگار نباشد و در بحث امامت ما مجبور باشیم که مطاعن عمر، ابوبکر و عثمان را که در کتاب های ما وجود دارد براساس دلیل هایی که داریم بیان کنیم و شاید آنها از این جهت که در حوزه علمیه قم به عنوان یک بحث مهمی، امروز با این بسط و شرح باشد ف

موضوع دیگر این است که مثلاً ما بیابیم درباره اصول و مبانی حضرت امیر (ع) بحث کنیم در حکومت علوی با آن مزایایی که داشته و به دنیا نشان داده شود که در اسلام حکومت باید به این شکل باشد در برابر مکاتب دیگر، اصول و مبانی حکومت حضرت علی (ع)، این خود یک بحث است.

بحث دیگر مثلاً این است که انسان بیاورد و آن عهد نامه مالک اشتر را شروع کند که پنجاه و سومین نامه می باشد، خوب برای اداره یک مملکتی، یک ملتی، یک جامعه، بلکه دنیا، سیاست امیرالمؤمنین که الان در سازمان ملل به عنوان یک منشوری و کامل ترین منشور برای اداره امور مملکت بلکه دنیا نگه داشته می شود.

یا مثلاً بحث های توحیدی که واقعاً اوج فصاحت و بلاغت است مضامین خطب توحیدی حضرت امیرالمؤمنین (ع) از نظر کلامی و فلسفی و عقلی مباحث خیلی مهمی است اینها به نظر بنده می رسد موضوع های زیادی وجود دارد حالا می خواهیم ما تعیین آن را بگذاریم به رأی شما رأی دهید و نظر دهید، بنده نمی دانیم به چه صورتی باشد، بنده امروز می خواهم چند دقیقه ای درباره اعتبار نهج البلاغه و حجیت نهج البلاغه صحبت کنم، دپروز یکی از فضلاء نامه ای نوشته بودند که درباره دنیا طلبی و تنعم و تجمل گرایی که امروز خطری است برای انقلاب که افرادی هستند که باید مثل بقیه زندگی کنند اما دنبال تنعم و تجمل و دنیا گرایی رفتند و از این مطلب زیاد است.

شان نزولش چطور بوجود آمده است سید رضی (رحمة الله علیه) از علمای بزرگ اواخر قرن ۴ و اوایل قرن ۵، در سال ۴۰۶ (ه.ق) وفات کرده اند، سید رضی و سید مرتضی این دو تا برادر از اعلام بسیار مهم اسلامی می باشند سید رضی در اوایل نهج البلاغه دارد که من خواستم خصائص ائمه (ع) را بنویسم که چند جلد می شد، خصیصه امیرالمؤمنین (ع) را نوشتم (ولی الان در دست نیست از بین رفته) ولی برای بقیه توفیق پیدا نکردم اما در بین نوشتن خصیصه حضرت امیر (ع) برخورد کردم به کلماتی در حد اعلا فصاحت و بلاغت که دون کلام خالق فوق کلام مخلوق بود به اینها که برخورد کردم بعضی از دوستان من گفتند که خوب است که از همان کلمات امیرالمؤمنین به عنوان خطبه و کلمات نوشته شود تا ارائه شود به مردم تا بدانند امیرالمؤمنین در چه حدی از بلاغت و فصاحت بوده این شاگرد قرآن، من تصمیم گرفتم که این کار را انجام دهم و این کتاب را سمیتُ نهج البلاغه بعداً که سید رضی این را نوشته درباره نهج البلاغه باید توجه داشته باشیم این را به

یکی هم این شعر (کلام علی، کلام علی و ما قاله المرتضی المرتضی)

بعد ایشان می‌گویند به ۴۸۰ خطبه امیرالمؤمنین دارند ولی این خطبه‌ها نصف آن در نهج البلاغه وجود دارد آنها در آن حمله مغول از بین رفته اند خیلی اظهار تأسف می‌کنند برای اینکه چند دفعه کتاب‌های شیعه مورد تهاجم قرار گرفته یکی در موقعی که سلطان محمود غزنوی به ایران آمد و به ایران حمله کرد سلطان محمود در شهری کتاب‌های صاحب بن عبّاد را همه را سوزاند، سلطان محمود غزنوی سنی بسیار متعصبی بوده است با شیعه‌ها خیلی مخالف بوده حتی بسیاری از علمای شیعه را کشت، صاحب بن عبّاد می‌گفت کتابهای من ۴۰۰ تا شتر برای حمل و نقلش می‌خواهد، اینقدر کتاب داشته و قبر وزیری زیارتگاه نیست غیر از قبر صاحب، قبرش در اصفهان زیارتگاه است چون یک شیعه خالص و خلص بوده و خیلی هم در حد بالایی بود از نظر ادبیات و فقاقت، عیون اخبار الرضا را که صدوق نوشت برای صاحب بن عبّاد نوشت، درباره صاحب دو تا قصیده در اول عیون اخبار الرضا وجود دارد صاحب هم دو تا قصیده در مدح امام رضا گفت و برای صدوق فرستاد این دو با هم، هم عصر بودند، صدوق هم در اول عیون اخبار الرضا خیلی از او تعریف کرده بعداً بخاطر اینکه به ایشان هدیه ای داده باشد عیون اخبار الرضا را برای صاحب نوشته، صاحب در حالاتش چیزهای خیلی جالبی دارد در کتاب الغدیر یکی از شعرای الغدیر همین صاحب است که حالاتش آنجا مذکور است، خلاصه کتابهای صاحب بن عبّاد را که می‌گفت {یحتاج الی أربعة مائة جمل} ۴۰۰ شتر باید آنها را حمل کنند سلطان محمود غزنوی آنها را سوزاند بعداً وقتی که سلاجقه حمله کردند به محل کرخ بغداد که محل شیعه‌ها بود و در آنجا شیخ طوسی مدرسه ای داشت و کتابخانه ای داشت، شیعه‌ها را کشتند و کتابخانه شیخ طوسی به آن عظمت را غارت کردند و منبرش را سوزاندند و شیخ طوسی مجبور شد از بغداد به نجف برود و در آنجا حوزه نجف را برپا کرد یک دفعه هم آنجا مورد حمله قرار گرفت، در واقع ۲۰۰ سال بعد از آن حمله مغول است، مغول‌ها که حمله کردند همه کتابهای شیعه را سوزاندند و به دریا ریختند به اندازه ای که آب فرات رنگین شد نوشته که وقتی مغول حمله کرد به بغداد شیعه‌ها را می‌کشتند این ابی‌الحدید را گرفتند و آوردند پیش هلاکوخان و گفتند این کتاب نهج البلاغه را شرح کرده هلاکوخان دستور کشتنش را داد با اینکه ابن ابی‌الحدید سنی است ولی بخاطر اینکه در نهج البلاغه را شرح کرده، بعد ابن ابی‌الحدید رفت پیش علقمی که وزیر بود به او

عنوان یک کتاب فقهی ایشان نمی‌خواست بنویسد بلکه به عنوان نشان دادن کلماتی در حد اعلای فصاحت و بلاغت.

چند تا مطلب اینجاست، یکی این که کتبی که اینجا از بین رفته است و بنده برای نمونه از کلمات الذریعة الی تصانیف الشیعة حاج آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعة که از علمای بزرگ عصر ما بودند و مرحوم شدند ایشان کتابهای زیادی دارند مثلاً الذریعة که ۲۵ جلد است ایشان سعی کرده تألیفات شیعه را جمع کنند و می‌گویند صاحب الذریعة و سید محسن امین و کاشف الغطاء نوشته بودند و با هم بحث می‌کردند و می‌گفتند که بعضی از اهل تسنن نوشتند که شیعه‌ها تألیفاتی ندارند و سابقه زیادی به اسلام ندارند اینجا قرار شد و این سه نفر تصمیم گرفتند که صاحب کشف الغطاء محمد حسین کاشف الغطاء که پسر شیخ جعفر است ایشان اصل الشیعة و اصولها را نوشته است که ثابت کند یک شیعه (البته در زمان پیامبر (ص)) این است و اسلام ناب این است که شیعه دارد، سید محسن امین اعیان الشیعه را نوشت برای معرفی رجال و علمای شیعه، و الذریعة هم تصانیف شیعه را نوشته این الذریعة در سه جا راجع به نهج البلاغه بحث دارد یکی در ماده (ت) ترجمة نهج البلاغة صورت گرفته، دو در ماده (ش) شروح نهج البلاغة و سه در ماده (ن) خود نهج البلاغة، ایشان در سه جا معترض این موضوع هستند که قدری از کلمات ایشان را می‌خوانیم، حاج آقا بزرگ تهرانی مرد بسیار بسیار بزرگی هستند، ایشان در جلد چهارم الذریعة صفحه ۱۴۴ می‌گویند که لَمْ یَیْرُزْ فِی الْوُجُودِ بَعْدَ انْقِطَاعِ الْوَحْیِ الْإِلَهِيِّ كِتَابَ آمِنِ امْسِ بِه مِمَّا دُونَ فِی نَهْجِ الْبَلَاغَةِ { بعد از اینکه وحی پروردگار قطع شد و پیغمبر اسلام ارتحال حاصل کردند بعد از آن کتابی که امس باشد مربوطتر باشد به قرآن، از نهج البلاغه بهتر نداریم، که نهج البلاغه {مسحة من العلم الالهی عقبه من الکلام النبوی} مسحة یعنی نمونه ای، نمونه ایست از علم پروردگار و رایحه ایست از کلام نبوی خلاصه اینکه اینجا مطالب زیادی ذکر کرده که خوب است درسش را بخوانند تعلیم و تعلم صورت بگیرد هر کسی در هر قسمتی می‌خواهد کار کند درسیاست، زهد و تقوا و غیره، خلاصه از این کتاب باید استفاده کنند به این کتاب اتکا کنند، این در جلد ۴، صفحه ۱۴۴ که آن ماده، آن ماده (ت) ترجمه بوده، جلد ۱۴، صفحه ۱۱۱ که ماده آن ماده (ن) یعنی خود نهج البلاغه است {هو کالشمس فی رایحة النهار فی ظهور و هو علو الشان و القدر} در اینجا هم کلمات بسیار بسیار جالب درباره {هو أخ القرآن الکریم} این برادر قرآن کریم {فیه دعاء کل علیل و سقیم} خلاصه مطالب زیادی درباره نهج البلاغه دارد،

فرمودند، امام (رضوان الله علیه) در وصیتنامه خود اول حدیث تقلین را نوشته اند (بنده می‌گفتم که این وصیتنامه امام را باید کلمه، کلمه مطالعه کنیم من خودم کلمه کلمه از آن یادداشت برداشتم چون حاصل تجارت امام است، امام (رضوان الله علیه) با آن عظمت بعد از اینکه توانستند این انقلاب را بوجود بیاورند و بعد جریانها به وجود آمد و ۸ سال جنگ تحمیلی را پشت سر گذاشتند با عزت و افتخار، خواستند حاصل تجارت خودشان را در وصیتنامه بنویسند و نوشتند، امر شخصی در وصیتنامه ایشان نیست که کجا دفن کنید چقدر نماز بخوانید ایشان آنچه تجربه کرده و بدست آورده برای صلاح اسلام نوشته اند) بعد از حدیث تقلین ایشان نوشته اند که ما افتخار می‌کنیم که نهج البلاغه که حاوی جامع ترین و کامل ترین دستور زندگی، فردی، اجتماعی، حکومتی، فرهنگی سیاسی، اخلاقی و اقتصادی است از پیشوای ما حضرت امیر (ع) است یعنی امروز قرار باشد ما در برابر اهل تسنن و دنیا تحدی بکنیم آنچنان که در قرآن تحدی شده، ما بخواهیم تحدی بکنیم به حضرت امیر (ع) که امام و پیشوای ماست با همین نهج البلاغه است.

چه کسی می‌تواند یک همچنین کتابی واقعاً بیاورد آن وقت اوج کلماتش هم در همان خطبه های توحیدی است که ابن ابی الحدید چند جا دارد، درست است که عرب کلماتی داشتند فصیح و بلیغ اما درباره شتر بود و شب بود و شراب بود اما شناخت خدا کمال خدا، جلال خدا، جمال خدا، اوصاف خدا، خطبه های توحیدی چیزی هست که قبل از علی (ع) کسی نیاورده عجیب است بنده یک وقتی می‌گفتم حضرت امیر (ع) در میدان جنگ و در مساجد خطبه می‌خوانده کلماتی دارد که مثلاً بحرانی، خوئی، صدرالمتهلین شیرازی در معنی کردن آن می‌مانند حالا ببینید اسلام چقدر فرهنگ مردم را بالا برده است که سربازان میدان جنگ کلمات را می‌فهمیدند و المتأهلین ها و خوئی ها و بحرانی ها در فهمیدن آنها مانده‌اند این خیلی عجیب است! این نمونه‌ای است که اسلام در بالا بردن سطح فرهنگ مردم چقدر عنایت دارد منتهی بعداً این جریان ها به وجود آمد که این فرهنگ خاموش شد و إلا در سربازان میدان جنگ و بازاری ها این فرهنگ بوده، امیرالمؤمنین خطبه ها را برای بازاری ها نیز می‌خواندند {بمضادته بین الأشياء علم أن لا ضد له بقارنته بین الأشياء عرف أن لا قرین له} اینها را امیرالمؤمنین برای مردم بیان می‌کرده است.

بالاخره نهج البلاغه کتاب بسیار بسیار عالی است حالا نمی‌دانم کدام بحث را شروع کنیم آیا بحث حکومت حضرت امیرالمؤمنین را شروع کنیم که به دنیا نشان دهیم یک حکومتی در اسلام بوجود آمده و

پناهنده شد که نگذارید من را بکشند علقمی ابن ابی الحدید را برد پیش خواجه نصیر الدین طوسی، خواجه شفاعت کرد و هلاکوخان از کشتن ابن ابی الحدید صرف نظر کرد اما کتابهای شیعه را به دریا ریختند و کارهای دیگر.....

این مساله در خیلی جاها اتفاق افتاده مثلاً در مصر در قاهره کتابخانه مهمی کاتبین که شیعه بودند داشتند در آنجا هم در حمله دشمن ها کتابهایش را سوزاندند، در اندلس کتابخانه های مهمی مسلمان ها تأسیس کردند ولی بعداً وقتی اروپایی ها حمله کردند برای از بین بردن کتابخانه مسلمانان و کشته مسلمانانی که آنجا بودند و کتاب ها را سوزاندند خلاصه چندین دفعه کتابهای شیعه مورد غارت قرار گرفته حالا در اینجا این را می‌خواهم ذکر کنم ایشان می‌گویند که در الذریعة ۱۴۰ شرح برای نهج البلاغه نوشته و علماء به اندازه ای مسلم می‌دانستند که نهج البلاغه از امیرالمؤمنین است که دیگر احتیاجی به ذکر سند نبود زیرا شایع بود و معلوم بود آن وقت ۱۴۰ شرح که یکی از آنها شرح ابن ابی الحدید است ایشان می‌گویند که ۴۸۰ خطبه امیرالمؤمنین داشته اند که بعضی از آنها در مناقب ابن شهر آشوب است و در نهج البلاغه نیست این ۴۸۰ تا تقریباً نصفش در نهج البلاغه هست و نصف دیگر آن در همین جریان ها از بین رفته، مثلاً می‌گویند مروج الذهب که چهار جلد است و در سال ۳۲۹ می‌زیسته در کتابش نوشته که امیرالمؤمنین ۴۸۰ خطبه داشته اند این در کتابها بوده و بعد از بین رفته و نصفش در نهج البلاغه هست آن نصف را هم سید رضی گاهی یک قطعه از آن را می‌نویسد حالا آنچه که می‌خواستم عرض کنم کتابی هست به نام مصادر نهج البلاغه و اسانیده که مال السید عبدالزهراء الحسینی الخطیب این کتاب خیلی مهم است، بنده این کتاب را دارم مطالعه هم کردم این کتاب چهار جلد قطور است و آنچه در نهج البلاغه وجود دارد ایشان مدارکش را پیدا کرده از طرق عامه و خاصه، خطبه هایی که در نهج البلاغه هست از طرق عامه خیلی نقل شده در کتاب خمس بنده نوشته ام که خطبه شقیشقیة در جلد هفتم الغدير علامة امینی ۲۸ طریق برای این خطبه نقل کرده است قبل از سید رضی، قبل از اینکه سید رضی بیاید و نهج البلاغه را تألیف کند علامة امینی در الغدير جلد ۷، صفحه ۸۲ ایشان در ثمانیة و عشرين طریقاً از ۲۸ راه از طریق عامه خطبه شقیشقیة را نقل می‌کند اینها قبل از تولد سید رضی تألیف شده، بالاخره ما الآن از جلد چهارم الذریعة این مطالب را نقل کردیم از جلد ۱۴ هم مطالبی خدمت شما عرض کردیم که اینها در اهمیت نهج البلاغه و همین اندازه کافیهست و یکی از دلیل های ما همان کلام امام است که

حکومت اسلامی باید به این شکل باشد یا بحث های دیگر باز هم می خواهید فکر کنید تا چهارشنبه دیگر وقت دارید حالا یک حدیث از امام صادق عرض کنم، در تحف العقول {ثلاثة مکسبة للبغضاء ثلاثة مکسبة للمحبة} مکسبة ظاهراً مصدر میمی است، ۳ چیز موجب محبت است، سه چیز هم موجب بغض و تنفر است، آن سه چیز که موجب محبت است {الدين و البذل و التواضع} یکی دین، واقعا کسانی که متدین هستند محبوب اند دوم سخاوت سوم تواضع و {ثلاثة مکسبة للبغضاء النفاق و الظلم و العُجب} سه چیز هم باعث می شود انسان منفور باشد یکی نفاق، مردم آدم منافق را دوست نمی دارند دوم ظلم و سوم خو بستند.

خداوند انشاء الله توفیق عمل کردن عنایت بفرماید انشاء الله.